



تبیین ویژگی‌های راهبردهای یاددهی یادگیری با تأکید بر مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان رشته‌های فنی مهندسی و مقایسه آن با وضع موجود در دانشگاه هرمزگان

مرتضی خوارزمی¹، حسین زینلی‌پور²، اقبال زارعی³

¹ گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، ایران

² گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، ایران، (نویسنده مسئول)، hzeinalipour@hormozgan.ac.ir

³ گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله علمی- پژوهشی	هدف از انجام این پژوهش تبیین ویژگی‌های راهبردهای یاددهی یادگیری با تأکید بر مهارت‌های کارآفرینی در رشته‌های فنی مهندسی و مقایسه آن با وضع موجود در دانشگاه هرمزگان بود. روش این پژوهش ترکیبی متوالی اکتشافی بود. جامعه در بخش کیفی شامل کلیه کارآفرینان برتر و اساتید دانشگاهی و در بخش کمی شامل کلیه دانشجویان و اساتید دانشگاه هرمزگان بود. مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی به روش موارد مطلوب و در بخش کمی روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. حجم نمونه را در بخش کیفی اشباع اطلاعاتی و در بخش کمی فرمول کوکران تعیین کرد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی داده‌های کیفی به‌وسیله چک کردن اعضا و سه سوسازی و در بخش کمی به‌وسیله روایی محتوایی و سازه و پایایی به‌وسیله آلفای کرانباخ تأیید شد. داده‌های کیفی به‌وسیله تحلیل مضمون و داده‌های کمی به‌وسیله آمار توصیفی، t تک گروهی و تحلیل عاملی تأییدی تحلیل شدند. مقولات استخراج شده شامل توجه به بعد فکری، عاطفی، نزدیک سازی تئوری به واقعیت و یادگیری عمیق بودند. نتایج مقایسه وضعیت این مقولات در دانشگاه هرمزگان، نشان‌دهنده توجه اندک به این موارد در فرایند یاددهی یادگیری بود.
دریافت:	
پذیرش:	
واژگان کلیدی:	
کارآفرینان	
اساتید دانشکده‌های فنی	
مهندسی	
راهبردهای یاددهی یادگیری	
مهارت کارآفرینی	

Identify teaching learning strategy characters on entrepreneurship skills among technical students and compare it among technical students of Hormozgan University

M. Kharazmi¹, H. Zeinalipour², E.Zare³

¹ Department of education and consultation, human science faculty, Hormozgan University, Iran.

² Department of education and consultation, human science faculty, Hormozgan University, Iran,

(Corresponding author), hzeinalipour@hormozgan.ac.ir

³ Department of education and consultation, human science faculty, Hormozgan University, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Original Research Paper

Received:

Accepted:

Keywords:

Entrepreneurs

professors of engineering colleges

learning strategies

entrepreneurial skills

ABSTRACT

The purpose of this research was to explain the features of learning-teaching strategies with emphasis on entrepreneurship skills in engineering fields and compare them with the current situation at Hormozgan University. The method was a sequential exploratory blend. The community in the qualitative sector included all the top entrepreneurs and academic staff, and in the small part included all students and professors of Hormozgan University. Participants in the qualitative section were selected using desirable methods and in the quantitative section, a proportional stratified sampling was used. The sample size was determined in the qualitative information saturation section and in the quantitative part of the Cochran formula. The data collection tool was a semi-structured interview and a researcher-made questionnaire. Validity of qualitative data was verified by checking the members and tripling, and in the quantitative section, by content and structure validity, and reliability by the Cronbach alpha. Qualitative data were analyzed by thematic analysis and quantitative data by descriptive statistics, t-test, and

confirmatory factor analysis. The extracted categories included attention to the intellectual, emotional, theoretical approximation to reality, and deep learning. The results of comparing the status of these categories at Hormozgan University showed little attention to these issues in the learning process.

IB Press

1. مقدمه

کارآفرینی، یک مفهوم چندوجهی و پیچیده است که امروزه توجه زیادی را به خود جلب کرده است و بیشتر صاحب‌نظران توافق دارند که کارآفرینی و کارآفرینان سهم بسزایی در توسعه اقتصادی دارند [1, 2]. در تعریف کارآفرینی می‌توان گفت، کارآفرینی فرآیندی است که کارآفرین با ایده‌های خلاق و شناسایی فرصت‌های جدید و با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد کسب‌وکار و شرکت‌های نو، سازمان‌های نوآور و رشد یابنده نموده که توأم با پذیرش مخاطره و ریسک است و منجر به معرفی محصول و یا خدمت جدیدی به جامعه می‌گردد [3]. کارآفرینان، افراد، گروه‌ها و مردمانی هستند که کسب‌وکار جدیدی را تأسیس و اداره می‌کنند، به‌گونه‌ای که حداقل برای بیش از یک نفر اشتغال ایجاد کنند. یک کارآفرین با توجه به ویژگی توفیق‌طلبی و با هدف بهبود عملکرد خود در شرایط چالشی و رقابتی به تأسیس و اداره کردن یک کسب‌وکار اقدام می‌کند [3, 5, 6].

در حال حاضر، توسعه کارآفرینی هسته برنامه‌های توسعه کشورها زیادی است. از این‌رو، سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های کارآفرینی منابع انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد. انتظار می‌رود دانشگاه‌ها در توسعه قابلیت‌های کارآفرینی، نقش محوری ایفا نمایند. از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود که در کشور، با یک جریان نوآور، قابلیت‌های کارآفرینی مورد نیاز جامعه را فراهم کنند. همچنین، دانشگاه می‌تواند قابلیت‌های کارآفرینی شامل دانش، مهارت و نگرش کارآفرینی را در دانش‌آموختگان ایجاد کند و دانش‌آموختگان به‌عنوان عاملان تغییر اجتماعی، این قابلیت‌ها را در جامعه ترویج دهند [7]. امروزه، کارآفرینی دانشگاهی یک آرمان پیشرفته و جذاب برای آموزش عالی است. در دنیای رقابتی آینده، دانشگاه‌ها برای حفظ بقای خود راهی جز حرکت به سمت کارآفرینی دانشگاه ندارند. برای رسیدن به این منظور باید تغییراتی در فرآیندهای آموزشی و پژوهشی، ساختار، فرهنگ، شیوه و محتوای تعامل دانشگاه‌ها با بنگاه‌ها و دولت ایجاد شود. دانشگاه در توسعه کارآفرینی نقش تعیین‌کننده دارد. ایجاد و توسعه کارآفرینی در نظام آموزشی و تبدیل آن به فرهنگی نهادی شده، مستلزم شناسایی و تعیین سیاست‌ها و اصولی است که راهکارهای مربوطه را نشان می‌دهد [8].

مؤسسات آموزشی در برنامه‌های آموزشی خود باید نیازهای دانشجویان در یادگیری مهارت‌های حرفه‌ای لازم در بازار کار را مدنظر قرار دهند، در این میان بسیاری از تحقیقات تأیید می‌کند

که فرآیند و برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها می‌تواند با تغییر بینش و فرهنگ افراد و تجهیز آن‌ها به دانش و مهارت‌های خاص، راهی را که آن‌ها شاید با سعی و خطا و با گذشت زمان طولانی به آن می‌رسند بسیار کوتاه نموده و به سرعت قابلیت‌های کارآفرینی را در دانشجویان به بالفعل تبدیل کند. بدین منظور دانشگاه‌های بسیاری از جمله استنفورد، کلمبیا، نیویورک، آکسفورد و دوک در ده سال اخیر در راهبردهای آموزشی خود تغییراتی در این زمینه تدوین کرده‌اند [9]. دانشجویان این دانشگاه‌ها باید نه تنها با مفهوم کارآفرینی آشنا باشند بلکه باید توانایی‌ها، مهارت‌ها و نگرش آن‌ها نسبت به تفکر کارآفرینانه تقویت شود [9]. ادغام آموزش کارآفرینی در راهبردهای یاددهی یادگیری دانشگاه‌ها و مدارس عالی موجب غنی‌سازی تجارب یادگیری فراگیران، افزایش ایجاد کسب‌وکار جدید توسط آن‌ها، ارتقای مهارت‌های شغلی و مدیریت کسب‌وکار، افزایش ارتباط میان دانشگاه‌ها و صنعت می‌شود [10, 11]. به همین دلیل پژوهش‌های زیادی برای بررسی ویژگی‌های راهبردهای یاددهی یادگیری که باعث تقویت روحیه کارآفرینی می‌شود انجام شده است.

هینس [12] مدلی را جهت افزایش مهارت‌های کارآفرینانه ارائه کرده است که در آن مواردی چون بحث گروهی، کار تیمی، شبیه‌سازی، ارائه عملی، حل مسئله و طوفان مغزی برای روش تدریس و تعیین اهداف شخصی و طراحی شغلی در بعد سازمان‌دهی ارائه شده است. اولوکوندوم و همکاران [13] در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که برنامه درسی در صورتی که محرک کارآفرینی باشد و بتواند اطلاعات کافی در این زمینه را در اختیار دانشجویان بگذارد می‌تواند باعث افزایش مهارت کارآفرینی شود. مهد صوفیان [14] در پژوهشی که در میان دانشجویان رشته‌های فنی مهندسی انجام داده است به این نتیجه رسید که برنامه درسی کارآفرین شامل مفاهیم و اصول مدیریت، مالی و کارآفرینی است. در پژوهش دیگری، مونیانووا و همکاران [15] به این نتیجه رسیدند که باید در سال اول تدریس مدیریت کسب‌وکار کوچک، توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینی و مقدمه‌ای بر سرمایه‌گذاری و اقتصاد مبنای کار قرار گیرد. از مقایسه دانشگاه‌ها محقق بیان می‌کند که در دانشگاه زیمبابوه توسعه برنامه درسی با مشارکت در زمینه صنعت بیشتر به چشم می‌خورد. در دانشگاه بوئو توسعه برنامه درسی، تحلیل صنعت، هزینه برنامه‌های جدید برای مؤسسه، رقابت و قوانین مبنای کار قرار داده می‌شود. در نهایت محققین این پژوهش پیشنهاد کرده‌اند که مفاهیم مدیریت کسب‌وکار

برای توسعه‌ی کارآفرینی در بین دانشجویان رشته علوم تربیتی که باید در برنامه درسی آن‌ها گنجانده شوند، عبارت است از: انجام پروژه‌های تحصیلی مرتبط با رشته علوم تربیتی در قسمت آموزش سازمان‌های مختلف، آشنایی با نحوه‌ی تدوین طرح کسب‌وکار، آشنایی با شغل‌های مربوط به رشته‌ی تحصیلی، آشنایی با قانون‌های کسب‌وکار، آشنایی با مهارت‌های مالی و بازاریابی، آشنایی با مفاهیم خلاقیت، نوآوری و مهارت‌های مربوط به آن می‌باشد.

همان‌گونه که در بالا بدان اشاره شد؛ اصول ارائه‌شده برای آموزش کارآفرینی می‌تواند بسیار متنوع باشد و تا حدود زیادی به ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی جامعه نیز بستگی دارد [22]؛ بنابراین ارائه آموزش‌های یکسان به افراد در جوامع گوناگون کاری نادرستی است که به نتایج مناسبی دست نمی‌یابد [9]. با بررسی پیشینه پژوهشی داخل کشور می‌توان گفت که تحقیقات انجام‌شده بیشتر به صورت کلی کلیه رشته‌های دانشگاهی را بررسی کرده‌اند و به بررسی جداگانه رشته‌ها با توجه به ماهیت آن‌ها توجه نکرده‌اند. همچنین روش‌های انجام این پژوهش‌ها بیشتر به صورت کمی یا مطالعه اسنادی است که برگرفته از ادبیات پژوهشی بیشتر خارجی است و توجهی به شرایط اقتصادی و فرهنگی کشورمان ندارد.

لازم به ذکر است برای انجام این پژوهش راهبردهای یاددهی یادگیری بررسی شده است، زیرا بخش مهمی از برنامه درسی جهت ایجاد مهارت کارآفرینی است [23] از سوی دیگر مشکل بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های حال حاضر کشور است که باعث اتلاف منابع مادی و معنوی کشور شده است و به ایجاد آسیب‌های اجتماعی دامن زده است. سیاست‌های دولت نیز در جهت کوچک‌سازی دولت هدایت می‌شود و آنچه از گفته مسئولین مشخص است دانش‌آموختگان دانشگاهی مثل گذشته توان استخدام شدن را ندارند و بایست به ایجاد شغل برای خود اقدام کنند. بنابر مطالب گفته شد، هدف این پژوهش تبیین راهبردهای یاددهی یادگیری با تأکید بر مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان رشته‌های فنی مهندسی و مقایسه آن با وضع موجود بود.

کوچک، مهارت‌های توسعه کارآفرینی، مقدمه‌ای بر امور مالی، مدیریت مالی، مدیریت بازرگانی، مدیریت پروژه، اقتصاد و روش‌های پژوهش از مفاهیمی هستند که بایست مورد توجه قرار بگیرند. دانشگاه استنفورد [16] برای افزایش مهارت کارآفرینی دانشجویان از راهبردهایی چون سخنرانی کارآفرینان معروف برای دانشجویان، افزایش خلاقیت و پروژه‌های عملی استفاده می‌کند. اکجا و اودو [17] نیز در پژوهشی دیگر به توسعه و کاربرد برنامه درسی کارآفرینی در نیجریه پرداختند. نتایج به دست آمده نشان داده که برنامه درسی کارآفرینی فواید بسیاری در زمینه‌های مختلف دارد از آن جمله می‌توان به خود فعالیتی، دانش مدیریتی، نحوه مدیریت، سازمان‌دهی دانش، استخدام و سازمان‌دهی کارکنان و ... اشاره نمود. به همین دلیل نیاز است که دولت نیجریه زمینه‌ها و بسترهای لازم برای ارائه‌ی این نوع برنامه درسی را در کشور فراهم نماید. اسمی، مرزوقی و ترک‌زاده [18] در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که روش‌های مستقیم، تعاملی و عملیاتی (عملی) بهترین روش‌های تدریس در امر کارآفرینی هستند. روش‌های تدریس مستقیم در این پژوهش شامل دعوت از کارآفرینان مهمان، تدریس خصوصی کارآفرینی، سخنرانی رسمی، برگزاری سمینارها، ثبت و ضبط فیلم‌ها و آموزش از طریق فعالیت‌های فوق‌برنامه بوده است. روش‌های تدریس تعاملی نیز شامل یادگیری فعال، بحث، پروژه‌ی گروهی، بحث گروهی، یادگیری دوطرفه، یادگیری از طریق اشتباهات و آموزش فرایند محور بوده و روش‌های تدریس عملی - عملیاتی نیز در خود تجربه عملی، مطالعه ماهیت، کسب‌وکارهای تازه تأسیس، طرح‌های کسب‌وکار، پروژه‌های تحقیقاتی، تمرین کلاسی، کارگاه‌ها جای داده است. احمد، اسماعیل و بوچان [19] در پژوهشی که در میان دانشجویان رشته‌های فنی دانشگاه‌های مالزی انجام شده است به این نتیجه رسیدند که آموزش‌ها بایست به میل به پیشرفت، استقلال، خلاقیت، محاسبه ریسک، منبع کنترل و تمایل به کارآفرینی عمومی توجه داشته باشد. مذبوحی، شرفی و مقدم [20] در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در روش‌های تدریس از شیوه‌های جدید و فعال تدریس برای آموزش کارآفرینی بایست استفاده شود. یدالهی و میر عرب رضی [21] پژوهشی با عنوان بررسی ارائه‌ی برنامه‌درسی آموزش کارآفرینی در رشته‌ی علوم تربیتی انجام دادند. در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بهترین روش‌های آموزش کارآفرینی به ترتیب شامل روش‌های کاربردی و عملی، کارگاه آموزشی، روش آموزشی سمینار، روش آموزشی مصاحبه و ملاقات با کارآفرینان و روش آموزش سخنرانی هستند. همچنین طبق نتایج به دست آمده اولویت‌های آموزش

2. روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات آمیخته یا ترکیبی است. تحقیقات آمیخته به تحقیقاتی گفته می‌شود که از دو روش کمی و کیفی در تحقیق استفاده شود [24]. نوع‌شناسی متنوعی پیرامون روش‌های تحقیق ترکیبی ارائه شده است. یکی از پرکاربردترین نوع‌شناسی یا طرح‌های روش‌های ترکیبی به‌وسیله کراسول [25] ارائه شده است. این طرح‌ها عبارت‌اند از طرح هم‌زمان زاویه‌بندی، طرح‌های هم‌زمان لانه کردن، طرح هم‌زمان تغییرپذیر، طرح متوالی تبینی، طرح متوالی اکتشافی، طرح متوالی تغییرپذیر. از میان این روش‌ها مناسب‌ترین روش برای انجام تحقیق پیش‌رو طرح اکتشافی است، در این طرح، ابتدا اطلاعات کیفی جمع‌آوری شده و سپس این اطلاعات به‌وسیله تحقیق کمی بررسی می‌شود. به عبارت دیگر در این طرح بخشی از تحقیق به‌وسیله روش کیفی و بخشی به‌وسیله روش کمی انجام شده، تا به سؤال تحقیق پاسخ داده شود [25] در بخش کیفی از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. لیچتمن [26] هدف تحقیقات پدیدارشناسانه را بررسی پدیده‌ای از نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش می‌داند. در بخش کمی نیز این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی است. پژوهش‌های توصیفی به بررسی یا توصیف پدیده‌ای در جامعه تحقیق می‌پردازد [27].

جامعه آماری در بخش کیفی و کمی کلیه کارآفرینان نمونه و اساتید دانشگاهی رشته‌های فنی مهندسی بودند. شرکت‌کنندگان تحقیق به روش موارد مطلوب انتخاب شدند. دلیل استفاده از این روش این بود که از کارآفرینان و اساتیدی انتخاب شوند که دارای حداکثر اطلاع در زمینه هدف پژوهشی باشند. تعداد مشارکت‌کنندگان پژوهش‌های کیفی بسیار بزرگ یا کوچک توصیه نشده است بلکه حصول معیارهایی مانند اشباع داده‌ها و تکرار اطلاعات، کفایت حجم نمونه را نشان می‌دهد. پس با توجه به این معیار با 21 نفر مصاحبه شد. جامعه تحقیق در بخش کمی نیز شامل کلیه دانشجویان و اساتید دانشکده‌های فنی و مهندسی دانشگاه هرمزگان بود. تعداد دانشجویان 1150 نفر؛ اساتید 38 نفر و در مجموع 1188 نفر بودند. با توجه به وجود زیرمجموعه اساتید و دانشجویان در جامعه، و لزوم انعکاس نظرات هر دو گروه در نتایج تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی استفاده شد. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان در میان اساتید 36 نفر و در میان دانشجویان 291 نفر تعیین شد.

روش جمع‌آوری اطلاعات در بخش کیفی، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. در این نوع مصاحبه محقق از سؤالاتی از پیش تعیین شده استفاده می‌کند. با این حال سؤالات محدود است و

محقق می‌تواند برای کسب اطلاعات بیشتر سؤالاتی بپرسد [26]. کراسول [25] می‌گوید سؤالات تکمیلی شامل بیشتر توضیح دهید، می‌توانید پاسخ خود را بیشتر توضیح دهید، من به جزئیات بیشتری نیاز دارم و چه معنی ... دارد، است. کراسول درباره اینکه سؤالات مصاحبه از چه منبعی هستند عنوان می‌کند که این سؤالات می‌تواند بر اساس هدف تحقیق یا پیشینه تحقیق استخراج شوند و در ابتدا باید سؤالات آسان و غیر تهدیدکننده مثل سؤالات بسته پاسخ جمعیت‌شناسی ارائه شود و پس از آن سؤالات اصلی ارائه شود. مدت زمان انجام مصاحبه‌ها 32 تا 56 دقیقه بود. در ابتدای فرایند مصاحبه از افراد اجازه گرفته شده که صدای آن‌ها ضبط شود. به دلیل پراکندگی زیاد نمونه مصاحبه‌ها به‌صورت حضوری و تلفنی انجام شد. در بخش کمی نیز بر اساس مصاحبه انجام شده با مشارکت‌کنندگان در نهایت پرسشنامه‌ای محقق ساخته در طیف لیکرت تدوین و در بین نمونه توزیع شد.

در جریان جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کیفی، بایست اطمینان حاصل شود که یافته‌ها و تفاسیر ارائه شده دارای صحت بوده و خارج از سوگیری‌ها و تفاسیر شخصی است. برای تعیین اعتبار یا روایی یافته‌ها از روش چک کردن اعضا و چند سوسازی استفاده شد. در روش چک کردن اعضا داده‌های تحلیل شده به‌وسیله برخی از اعضای نمونه مورد بررسی و تأیید یا اصلاح می‌شود و از آن‌ها خواسته می‌شود میزان واقعیت یافته‌ها و تفاسیر را اعلام کنند [25]. چند سو سازی یکی از روش‌های دیگری است که باعث افزایش روایی داده‌ها می‌شود و از آن به‌عنوان شاهدهی بر روایی و پایایی داده‌ها استفاده می‌شود. در این روش از دو یا چند منبع برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌شود و داده‌های همخوان وارد تحلیل می‌شوند [26]. بدین منظور برای گردآوری داده‌ها به مصاحبه با کارآفرینان اساتید دانشگاه پرداخته شده است. برای تعیین روایی در بخش کمی تحقیق که شامل پرسشنامه محقق ساخته است از نظرات متخصصان موضوعی (روایی محتوایی) و بررسی اعتبار سازه ابزار (تحلیل عاملی تأییدی) استفاده شده و روش تعیین پایایی تحقیق آلفای کرانباخ است.

روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی تحلیل مضمون بود. در این روش ابتدا مصاحبه‌ها ضبط شده و پس از پیاده‌سازی چندین بار خوانده می‌شود تا تحلیل‌گر اطلاعات کلی نسبت به داده‌ها کسب کند. پس از آن داده‌ها به بخش‌های مختلف تقسیم و به هر بخش با توجه به محتوا نامی داده می‌شود (مقوله‌بندی). سپس، بخش‌هایی که دارای محتوای مشابه می‌باشند ادغام شده و سعی می‌شود در نهایت مقولات کلی استخراج شوند [25] در بخش کمی تحقیق به‌منظور تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین، انحراف

را انتخاب کند. این توانایی به فرد این قدرت را می‌دهد که یک موضوع را بر اساس جنبه‌های مختلف واکاوی کند. کارآفرینی در این زمینه گفت: "روش تدریس بایست پرورش دهنده قدرت تفکر فعال فرد بوده و او را به راحتی وادار به پذیرش یک پدیده یا موضوعی نکند" همچنین یکی از اساتید دانشگاه در این زمینه گفت "تفکر نقادانه باعث می‌شود که فرد همیشه به دنبال بهترین راه برای حل مسائل و مشکلات باشد، بنابراین بهتر است اساتید دانشگاهی در حین تدریس خود از دانشجویان بخواهند که راه‌حل‌های موجود و ارائه شده توسط دیگران را به چالش بکشند و برای آن جایگزین انتخاب کنند". از دیگر موارد پیشنهادی توجه به توانایی‌ها و مهارت‌های شغلی است که بایست در فرایند یاددهی یادگیری و در غالب توانایی مدیریت و تفکر و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی بر اساس شرایط و اقتضائات، آموزش موردتوجه قرار گیرد. مشخصاً برنامه درسی چندان توجهی به این مهارت‌ها نکرده‌اند ولی به نظر مصاحبه شونده‌گان یکی از عناصر مهم موفقیت در کارآفرینی برخوردار از این توانایی‌های ذهنی و فکری است. یکی از کارآفرینان در این زمینه گفت: "بایست به دانشجویان نحوه تفکر استراتژیک آموزش داده شود، این مهارت در فرایند یاددهی یادگیری می‌تواند آموزش داده شود". در ادامه از وی راهبردهای پیشنهادی سؤال پرسیده شود، وی گفت "روش‌های متعددی می‌توان نام برد ولی استفاده از فیلم‌های آموزشی در این زمینه می‌تواند بسیار مؤثر باشد". محققان در پژوهش‌های خود به افزایش مهارت‌های فکری اشاره‌هایی داشته‌اند. برای نمونه هینس [12] در پژوهش خود برای افزایش خلاقیت استفاده از روش‌های طوفان فکری را پیشنهاد می‌کند. وی عنوان می‌کند که برخوردار از این مهارت باعث افزایش شانس موفقیت طرح‌های کارآفرینانه می‌شود. اکجا و اودو [17] نیز در نتایج تحقیقات خود افزایش مهارت‌های ذهنی از جمله خلاقیت و حل مسئله را یکی از ویژگی‌های آموزش کارآفرینانه می‌دانند.

مهارت‌های عاطفی

مهارت‌های عاطفی در کنار مهارت‌های شناختی جز بسیار مهم موفقیت کارآفرینان به حساب می‌آید. این عامل از نظر مصاحبه شونده‌گان در پژوهش مغفول نمانده است. یکی از مهارت‌های عاطفی مورد تأکید مصاحبه شونده‌گان افزایش اعتماد به نفس دانشجویان است. اعتماد به نفس از دیدگاه این دست از مصاحبه شونده‌گان به این معنی مورد استفاده قرار می‌گرفت که دانشجویان در فرایند یادگیری به نحوی مشارکت داده شوند که به توانایی‌های خود جهت کارآفرینی باور داشته باشند. کارآفرینی در این زمینه

استاندارد و فراوانی)، تحلیل عاملی تأییدی، آزمون t تک نمونه استفاده شد. برای تحلیل داده‌های کمی، نرم‌افزارهای Spss و Amos به کار برده شده است.

3. نتایج و بحث

شرکت‌کنندگان در پژوهش شامل 11 نفر کارآفرین و 10 نفر اساتید دانشکده‌های فنی مهندسی بودند. کارآفرینان همگی در بخش صنعت فعال هستند. همگی این کارآفرینان دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. 4 نفر از این افراد لیسانسه، 5 نفر فوق‌لیسانس و 2 نفر دارای مدرک دکتری بودند. در میان اساتید دانشگاهی نیز سعی بر این شد که از افرادی استفاده شود که دارای بیشترین اطلاع در زمینه کارآفرینی باشند و در این زمینه فعال باشند. این اساتید در زمینه‌های عمران، مکانیک، کامپیوتر، برق و صنایع فعالیت داشتند.

1.3 نتایج کیفی

توجه به مهارت‌های فکری مهارت‌ها و توانایی‌های ذهنی انسان ابزار مهمی برای موفقیت شغلی او به حساب می‌آیند بر همین اساس است که مصاحبه شونده‌گان تأکید زیادی بر ارتقا آن در فرایند یاددهی یادگیری داشتند. یکی از این مهارت‌های فکری خلاقیت است. کارآفرینان از آن به عنوان راه حل نوین چالش‌ها و مشکلات پیش روی خود نام می‌بردند و برای آن اهمیت زیادی قائل می‌شدند. کارآفرینی در این زمینه گفت "نوآوری و خلاقیت یکی از رمزهای موفقیت در بازار پرتنش هست. نیرویی که بتواند خلاقانه مشکلات و تنگناها را موردبررسی قرار دهد بسیار در زمینه کارآفرینی موفق هست. پس به نظرم باید در روش تدریس اساتید کارآفرینی بسیار موردتوجه قرار گیرد" در همین راستا یکی از اساتید دانشگاه گفت "روش تدریسی می‌تواند در زمینه کارآفرینی موفق باشد که باعث افزایش قدرت کارآفرینی شود، اساتید در این زمینه بایست به ایده‌ها و نوآوری‌های دانشجویان اهمیت دهند" در پاسخ به این سؤال محقق که این فرایند یادگیری چگونه می‌تواند باعث افزایش خلاقیت دانشجویان شود یکی از اساتید دانشگاه گفت "استقبال از ایده‌های نو برای پاسخ به سؤالات، بارش مغزی و توجه به حل مسائل با توجه به راه‌حل‌های متنوع می‌تواند از جمله این راهبردها باشد". از جمله مهارت‌های فکری دیگر که مورد تأکید کارآفرینان و اساتید دانشگاه در فرایند یادگیری بود، تفکر انتقادی بود. در کنار خلاقیت به توانایی دیگری نیاز است که به استدلال پرداخته و جنبه‌های مختلف موضوع را تحلیل کرده و بهترین راه یا تولید

یادگیری است که بسیاری از متخصصین به آن اشاره داشته‌اند. برای نمونه اولوکوندوم و همکاران [13] مهارت‌هایی چون افزایش اعتماد به نفس را پیشنهاد می‌کند. همچنین احمد، اسماعیل و بوچان [19] افزایش میل به پیشرفت و مسائل انگیزشی را برای افزایش میل به کارآفرینی در میان دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی مالزی پیشنهاد می‌کنند.

نزدیکی تئوری به عمل

بیشتر مصاحبه شونده‌گان از تئوری زدگی نظام آموزشی به‌عنوان چالشی در زمینه آموزش مهارت‌های کارآفرینانه یاد می‌کردند. به گفته یکی از اساتید دانشگاه " اساتید دانشگاه با یاد دادن تئوری به دنبال راحت‌طلبی و خالی کردن شانه از بار مسئولیت هستند " برای حرکت به سوی عمل‌گرایی در جریان فرایند یاددهی یادگیری یکی از پیشنهادها استفاده از بازدیدهای علمی از مراکز صنعتی بود. یکی از کارآفرینان در این زمینه گفت " مراکز صنعتی می‌تواند یکی از بسترهای رشد مهارت‌های کاربردی دانشجویان باشد " یکی از اساتید دانشگاه نیز در این باره گفت " بازدید از این مراکز می‌تواند دانشجویان را به کاربرد آموخته‌ها آشنا سازد ". البته این بازدیدها به گفته مصاحبه شونده‌گان بایست در راستای مباحث درسی انجام شود و به‌صرف اردوی تفریحی دارای ارزشی نیست. یکی دیگر از موارد پیشنهادی دعوت از کارآفرینان هر رشته برای سخنرانی در دانشگاه است. در هر رشته و زمینه کارآفرینان موفق وجود دارند که با ارائه سخنرانی‌هایی در کلاس درس یا بعد وسیع‌تر، نکات کلیدی و مهمی را به دانشجویان آموزش دهند. یکی از مصاحبه شونده‌گان از تجربه خود در این رابطه سخن گفت: " روزی در دانشگاه اصفهان از من به‌عنوان سخنران برای صحبت در میان دانشجویان رشته مکانیک دعوت به عمل آمد، در حین صحبت در سالن همایش‌ها دیدم که از دانشجویان ترم اولی تا دانشجویان دکتری در این سخنرانی حضور داشتند و بسیار علاقه‌مند مباحث را دنبال می‌کردند و بسیار کنجکاو بودند " این یکی از تجربیات موفق کارآفرینان بود که نشانگر تأثیر زیاد این راهبرد در یادگیری است. از جمله موارد دیگر، استفاده از پروژه‌های کارآفرینانه به‌عنوان فعالیت کلاسی است. در این مورد با توجه به آموخته‌ها، اساتید از دانشجویان می‌خواهند که شی، ابزار یا ایده‌ای را طراحی کنند و آن را عرضه کنند. در این رابطه یکی از کارآفرینان گفت: " تکالیف هدفمند کلاسی جهت تولید می‌تواند بسیار در پرورش کارآفرینی مثمر ثمر باشد " همچنین یکی از اساتید دانشگاه در این باره گفت " طراحی یک شی بدیع در فرایند یادگیری و با توجه به آموخته‌ها در کلاس و یا خارج از

گفت: " یکی از مشکلات عمده تحصیل کرده‌های دانشگاهی که باعث می‌شود آن‌ها برای کارآفرینی تمرکز مناسبی نداشته باشند، عدم باور توان خود برای کارآفرینی است. در صورتی که پروژه‌های کارآفرینی در این زمینه در طول فرایند تدریس طراحی شود، دانشجویان به توانایی تولید خود ایمان می‌آورند ". یکی از اساتید دانشگاه نیز در این زمینه گفت که " تمرین و تکرار پروژه‌های کارآفرینانه می‌تواند خودباوری را در دانشجویان برای بهبود نگرش عاطفی به کارآفرینی افزایش دهد ". از جمله مواردی که بسیار نزد کارآفرینان و اساتید دانشگاه مهم بود بعد هوش هیجانی بود. در نظر مصاحبه شونده‌گان ایجاد و افزایش این مهارت تا حدود زیادی در فرایند یاددهی یادگیری قابل‌دستیابی است. در نظر این افراد هوش هیجانی به معنی توانایی کنترل و مدیریت احساسات خود و دیگران بود. یکی از کارآفرینان در این باره گفت: " کارآفرین بایست دارای قدرت کنترل احساسات منفی خود باشد و مثبت نگر باشد، اساتید دانشگاه بایست در فرایند یادگیری خود به خودی به این اصل توجه داشته باشند " در همین زمینه یکی از اساتید دانشگاه گفت " یکی از فاکتورهای مهمی که به نظرم در فرایند یادگیری می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد، آموزش مدیریت عواطف خود و دیگران و آموزش حل چالش‌ها به‌وسیله مدیریت احساسات است " در نظر این گروه از مصاحبه شونده‌گان در صورتی که در فرایند آموزشی مهارت‌های هوش هیجانی مانند حل مسئله، کنترل اضطراب، خشم، تنظیم احساسات، قدرت ریسک‌پذیری معقول و منطقی و قدرت تصمیم‌گیری مورد توجه ویژه قرار گیرد، گام مهمی در جهت ایجاد مهارت کارآفرینی در دانشجویان برداشته شده است. از جمله موارد دیگر که در نگاه بسیاری از اساتید دانشگاه و کارآفرینی حائز اهمیت بود بحث توجه به روحیه کار و تلاش در فرایند یاددهی و یادگیری بود. از نظر مصاحبه شونده‌گان رسیدن به موفقیت در پروژه‌های کارآفرینانه تنها در سایه جهد و کوشش فراوان میسر است. یکی از کارآفرینان در این باره گفت: " استفاده از روش‌های تدریسی که به‌نوعی بتواند افزایش‌دهنده روحیه تلاش و پشتکار باشد می‌تواند در زمینه افزایش مهارت کارآفرینی بسیار مهم باشد ". در راستای این دیدگاه یکی از اساتید دانشگاه گفت: " در روش‌های تدریس اساتید می‌توانند از روش‌هایی استفاده کرد که دانش آموزان با سعی و تلاش به هدف نهایی برسند، استفاده از روشی که لقمه را آسان در دهان دانشجویان بگذارد، چندان باروحیه کارآفرینی همخوان نیست ". تحقیقات زیادی اشاره به افزایش توانایی‌های شخصی و عاطفی به‌منظور افزایش احتمال موفقیت در پروژه‌های کارآفرینانه دارند. یکی از راه‌های افزایش این مهارت‌ها راهبردهای یاددهی

آمده است، من از چند تای آن‌ها استفاده کرده‌ام. این نرم‌افزارها برای شروع بسیار خوب است " همچنین یکی از اساتید دانشگاه گفت: "استفاده از فناوری‌های نوین نیاز به حضور فیزیکی را برای یادگیری کارآفرینی تا حدود زیادی کم کرده است. لازم است اساتید از این ابزار استفاده بیشتری داشته باشند. همان‌گونه که قبلاً بدان اشاره شد تئوری‌زدگی نظام آموزشی ما یکی از مشکلات بزرگ سیستم آموزشی کشورمان است که محققان داخلی در تحقیقات زیادی به آن اشاره داشته‌اند. برای نمونه یدالهی و میر عرب رضی [21] برای افزایش میل به کارآفرینی توجه به درس عملی را پیشنهاد می‌کند. همچنین اسمی، مرزوقی و ترک‌زاده [18] پیشنهاد استفاده از پروژه‌های عملی را برای افزایش مهارت کارآفرینی دانشجویان در فرایند یادگیری آن‌ها ارائه می‌دهد.

توجه به یادگیری عمیق

یکی از نکاتی که مورد اشاره مصاحبه شونده‌گان بود، عدم یادگیری عمیق مطالب بود. به این معنی که مطالب بیشتر مواقع از طرف دانشجویان فقط برای قبولی خوانده می‌شود و به راحتی پس از چند ماه فراموش می‌شود. اگر بناست فردی کارآفرین باشد، نخست باید در رشته تحصیلی خود به سطحی از شناخت و آگاهی برسد که بتواند در آن حیطه به سطح تولیدات نوین دست یابد. به همین منظور یکی از پیشنهادها استفاده از روش‌های فعال یادگیری بود. یکی از کارآفرینان در این رابطه گفت: "برای یادگیری بهتر مطالب بهتر است دانشجویان خود به کار و داشته شوند " یکی از اساتید دانشگاه نیز به صورت واضح تر به فعال بودن دانشجویان در فرایند یادگیری اشاره کرد و گفت: "پیشنهادم این است که از روش‌های فعال در یادگیری استفاده شود ". هنگام کنکاش درباره رویکردهای و روش‌های مطلوب با توجه به تجربیات مصاحبه شونده‌گان طیف وسیعی از روش‌ها اشاره شد. بیشتر مصاحبه شونده‌گان از روش حل مسئله به عنوان روش تدریس ترجیحی خود استفاده می‌کردند. برای نمونه یکی از کارآفرینان در این زمینه گفت: "کارآفرینی محتاج حل مشکلات پیرامون با توجه به مطالب آموخته شده است. پس در فرایند یاددهی یادگیری استاد باید مشکلات و مسائلی را برای حل عرضه کند ". در همین راستا یکی از اساتید دانشگاه گفت: "رویکرد حل مسئله به دلیل اینکه به صورت مستقیم با حل مسائل چالش برانگیز روبرو است، می‌تواند در زمینه کارآفرینی بسیار مؤثر باشد ". در این روش مصاحبه شونده‌گان از دانشجویان پژوهشگرانی می‌خواستند که بتوانند بدون اتکا به استاد درباره موضوعی به پژوهش پرداخته و برای آن راه حل ارائه کند. برای نمونه یکی از اساتید دانشگاه گفت:

آن باید در یادگیری اساتید مورد توجه قرار گیرد". این راهبرد می‌تواند نقش مهمی در تبدیل آموخته‌ها به کالا یا ابزار را بازی کند. از پیشنهادهای دیگر از راهبردهای کلاسی، برگزاری کارگاه‌ها و افزایش دروس کارگاهی است که خاصیت عملیاتی داشته باشند. یکی از کارآفرینان در این رابطه گفت: "برگزاری دروس به صورت کارگاهی می‌تواند باعث افزایش قابلیت کاربردی شدن مطالب شود ". همچنین یکی از اساتید دانشگاه در این باره گفت: "برگزاری کلاس‌ها در کارگاه و آزمایشگاه می‌تواند به کاربرد آموخته‌ها در حیطه عمل کمک کند. به نظرم اکثریت کلاس‌های رشته‌های فنی باید به صورت کارگاهی برگزار شود". برگزاری کلاس به صورت کارگاهی یکی از مواردی است که از دیدگاه مصاحبه شونده‌گان می‌تواند به کاربردی ساختن آموخته‌ها کمک شایانی کند. یکی از روش‌های دیگر پیشنهادی افزایش دوره و ساعات کارورزی در مراکز صنعتی مرتبط است. یکی از کارآفرینان در این زمینه گفت: "حضور دانشجویان در مراکز صنعتی و از نزدیک دیدن مباحث یکی از بهترین راه‌های آموزش دانشجویان برای ورود به محیط و بازار کار است " همچنین یکی از اساتید دانشگاه گفت: "دوره‌های آموزشی که دانشجویان با حضور استاد در محیط‌های واقعی به یادگیری بپردازند می‌تواند بسیار در زمینه کارآفرینی مؤثر باشد، به نظرم آموزش‌ها باید در محیط واقعی انجام پذیرد. دوره‌های کارورزی یکی از بخش‌های مهم ایجاد مهارت کارآفرینی است که نیازمند این است که استاد مربوطه خود دارای تعامل کافی با صنایع و پارک‌های علم و فناوری باشد. پارک‌های علم و فناوری تبدیل به مراکز عرضه، پرورش و جلب سرمایه برای ایده‌ها در حیطه‌های مختلف شده است. دانشجویان با حضور مستمر در این مراکز می‌توانند چیزهای زیادی را درباره فرایند طراحی و اجرای ایده‌های کارآفرینانه یاد بگیرند. یکی از کارآفرینان در این رابطه گفت: تعامل بسیار کمی میان اساتید دانشگاهی با پارک‌های علم و فناوری وجود دارد. در صورتی که حضور و فعالیت اساتید و دانشجویان در این مراکز می‌تواند باعث کسب تجربیات ذی‌قیمتی برای دانشجویان شود " همچنین یکی از اساتید دانشگاه گفت: "حضور در مراکز کسب و پرورش ایده‌های نو می‌تواند به تقویت روحیه کارآفرینی و همگانی سازی آن یاری رساند ". حضور دانشجویان در این مراکز و یادگیری مفاهیم درسی می‌تواند گام مهم و اثربخشی در زمینه کارآفرینی برای دانشجویان باشد. ولی برخی از مصاحبه شونده‌گان تنها حضور فیزیکی را مهم نمی‌دانستند، بلکه آن‌ها با توجه به پیشرفت‌های حاصله در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشنهاد استفاده از نرم‌افزارهای شبیه‌سازی را دادند. یکی از کارآفرینان گفت: "نرم‌افزارهای خوبی

متخصصان این حیطة ارائه شد. پس از اعمال نظرات و تأیید روایی محتوایی، پرسشنامه جهت بررسی پایایی به‌صورت آزمایشی در میان پنجاه نفر از نمونه اجرا شد. پس از محاسبه پایایی هر مؤلفه به‌وسیله آلفای کرانباخ در بعضی از مؤلفه‌ها، پایایی در سطح پایین‌تر از 0/70 بود، بدین منظور سؤالاتی که پایایی را کاهش می‌دادند شناسایی شد و از نظر نگارشی و محتوایی مورد بازبینی قرار گرفت تا در صورت وجود ابهاماتی برای آزمودنی‌ها، مشکل آن مرتفع شود. در مرحله دوم باز پرسشنامه به‌صورت آزمایشی اجرا شد. این بار مؤلفه‌ها همگی دارای سطح آلفای کرانباخ بالای 0/70 بودند. برای بهبود ضریب آلفای کرانباخ در این مرحله دو سؤالی که ضریب اشتراک اندکی با دیگر سؤالات داشتند حذف شد و در مرحله آخر ضرایب پایایی به‌صورت زیر برای هر مؤلفه به دست آمد.

جدول شماره 1 بررسی پایایی پرسشنامه

Table 1: Reliability of the questionnaire

Alpha coefficient	
.84	Attention to intellectual skills
.79	Emotional skills
.79	The proximity of theory to practice
.89	Attention to deep learning

با توجه به نتایج جدول شماره 1 می‌توان گفت ابزار تحقیق از پایایی مطلوبی برخوردار است. در ادامه برای بررسی روایی سازه پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. در ادامه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی به بررسی روایی سازه ابزار اقدام شد. نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های برازش پس از اصلاح مدل (افزایش یک مسیر کوواریانس بین متغیرهای مکنون) بر اساس شاخص MI و حذف سه سؤال از پرسشنامه که دارای بار عاملی معنی‌دار بر روی متغیر مکنون نبودند، سطح شاخص‌های برازش به سطح مطلوبی رسید. شاخص‌های برازش پس از سه بار انجام اصلاحات مدل، در جدول شماره 2 ارائه شده است.

جدول شماره 2: شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی

Table 2: Fit Fittings Confirmatory Factor Model

Good of fitness	statistics	Fitting indexes
Optimal	1.49	χ^2/df
Optimal	.94	GFI
Optimal	0.93	IFI
Optimal	.04	RMSEA
Optimal	.93	CFI

هومن [27] سطح مورد پذیرش برای GFI, IFI و CFI را بالاتر از 0/90 و شاخص RMSEA را پایین‌تر یا نزدیک به 0/05 می‌داند. با توجه به این ملاک‌ها، می‌توان گفت که مدل تحلیل عاملی تأییدی

"در صورتی که در فرایند یاددهی یادگیری دانشجویان به‌عنوان پژوهشگرانی کنجکاو باشند، می‌توانند در آینده مشکلات و معضلات بازار را دریافته و برای آن با توجه به دانش و پژوهش‌های خود پیشنهاد ارائه کنند". البته در این راستا نقش اساتید هم از نگاه مصاحبه شونده‌گان کم‌رنگ نبود. آن‌ها پیشنهاد می‌کردند که اساتید هم در فرایند یاددهی خود به دانشجویان با توجه به شناختی که از وضعیت رشته و بازار دارند یاری رسانده و بین نظریه و عمل پیوندی ایجاد کنند. برای نمونه یکی از مصاحبه شونده‌گان کارآفرین در این باره به محقق گفت: "به نظرم تدریس باید بر اساس مثال‌های کاربردی انجام پذیرد، بالاخره باید دانشجو بداند که آنچه می‌خواند به چه کار می‌آید. همچنین یکی از اساتید دانشگاه گفت: "وقتی پای صحبت دانشجویان می‌نشینیم، متوجه می‌شویم که آن‌ها از کاربرد مطالب کتاب خود ناآگاه نیستند. رساندن این آگاهی به دانشجو در فرایند یادگیری وظیفه استاد است نه کس دیگر". تمام مطالب بالا در راستای نیازهای بازار بود ولی نکته‌ای که مصاحبه شونده‌گان در این میان به آن تأکید داشتند، توجه به نیازها و علاقه‌مندی‌های دانشجویان نیز بود. مصاحبه شونده‌گان معتقد بودند که بدون علاقه و همخوانی روند یاددهی یادگیری نمی‌توان انتظار داشت که یادگیری عمیق صورت گیرد. البته شاید به دلیل تنوع علایق و نیازها، رعایت آن در فرایند یادگیری کار دشواری باشد ولی مصاحبه شونده‌گان اصل علاقه‌مندی و توجه به نیازها را یکی از اصول مهم می‌دانستند که در صورت رعایت آن در فرایند یاددهی یادگیری دانشجویان می‌توان انتظار رسیدن به مهارت کارآفرینی را داشت. در این راستا یکی از کارآفرینان گفت: "اگر بتوان فرایند یادگیری را به سمت علایق دانشجویان سوق داد به نظرم می‌توان انتظار داشت یادگیری واقعی در دانشجویان رخ دهد. وی اضافه کرد در کارآفرینی اصل علاقه به نظرم بسیار مهم است، چون موانع کارآفرینی در کشورمان زیاد است و کم‌نیاوردن نیازمند علاقه است" همچنین یکی از اساتید دانشگاه گفت: اگر به نیازهای دانشجویان و علاقه‌مندی آن‌ها به مطالب و روش‌های گوناگون توجه شود می‌توان انتظار داشت یادگیری عمیق و کاربردی رخ دهد.

2.3 نتایج کمی

برای بررسی وضعیت موجود در دانشگاه هرمزگان از مصاحبه‌های انجام شده پرسشنامه‌ای محقق ساخته در طیف لیکرت استخراج شد. پس از چند بار بازنگری پرسشنامه جهت رفع مشکلات محتوایی و ویرایشی و کاهش احتمال مبهم بودن و کج فهمی در بین نمونه، به‌منظور بررسی روایی به تعدادی از اساتید و

.0001	3.16	1.5	.77	4.75
			.40	1

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول شماره 3 می توان گفت که تمامی گویه های پرسشنامه دارای تأثیر معنی دار (در سطح 0/05) بر روی متغیر مکنون هستند. پس می توان با توجه به این ضرایب و شاخص های برازش گفت که پرسشنامه دارای اعتبار سازه مناسبی در بین نمونه مورد بررسی است. در ادامه این پرسشنامه به منظور بررسی وضع موجود در میان دانشجویان و اساتید رشته های فنی و مهندسی دانشگاه هرمزگان توزیع شد. نتایج به دست آمده به وسیله آزمون t تک گروهی بررسی شد و نتایج در جدول شماره 4 ارائه شده است.

جدول شماره 4: مقایسه وضعیت موجود با ویژگی های راهبردهای

یاددهی یادگیری

Table 4: Comparison of status quo with the features of Learning Teaching Strategies

Sig	T	Average	
.0001	13.22	2.34	Attention to intellectual skills
.0001	45.20	1.11	Emotional skills
.0001	32.15	1.84	The proximity of theory to practice
.0001	11.85	2.74	Attention to deep learning

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول بالا می توان گفت که تمامی مؤلفه های ویژگی های کارآفرینی از سطح میانه در نظر گرفته شده پایین تر بودند. برای بررسی معنی داری نتایج از آزمون t تک نمونه ای استفاده شد. نتایج بیانگر این بودند که تمامی مؤلفه های کارآفرینی در سطح 0/05 معنی دار هستند. این مطلب بدین معنی است که توجه اندکی به این مؤلفه ها در فرایند یاددهی یادگیری می شود.

4. نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش پیش رو تبیین ویژگی های راهبردهای یاددهی یادگیری با تأکید بر ایجاد مهارت های کارآفرینی در میان دانشجویان رشته های فنی و مهندسی بود. به این منظور نخست مصاحبه نیمه ساختاریافته با کارآفرینان و اساتید دانشگاه انجام شد. مقولات استخراج شده از مصاحبه ها شامل توجه به مهارت های فکری، توجه به مهارت های عاطفی، توجه به یادگیری عمیق و نزدیکی تئوری به عمل بود. بررسی نتایج نشان دهنده این بود که در دانشگاه هرمزگان این مؤلفه ها در فرایند یاددهی یادگیری به صورت اندکی مورد توجه قرار می گیرد.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می شود که اساتید دانشگاهی در رشته های فنی و مهندسی در تدریس خود به افزایش

دارای برازش مطلوبی است. در جدول شماره 3 ضرایب استاندارد و غیر استاندارد حاصل از تأثیر متغیر مکنون بر روی متغیر مشاهده شده به همراه سطح معنی داری آن ارائه شده است.

جدول شماره 3: نتایج بررسی ضرایب تأثیر متغیر مشاهده پذیر بر روی متغیر مکنون

Table 3: The results of examining the coefficients of the observed variable on the variable

Sig	C.R	Error standard error	Non-standard coefficients	Standard coefficient	Factors
.0001	1.75	.15	1.69	.95	Attention to intellectual skills
.0001	1.97	.11	1.21	.74	
.0001	4.9	.10	.52	.30	
			1	.63	
.0001	7.22	.09	.66	.45	
.0001	1.2	.08	.86	.065	
.0001	1.14	.08	.89	.63	
.0001	1.16	.08	.97	.77	
.0001	1.72	.08	.9	.77	
			1	.74	
.0001	1.07	.11	1.14	.74	Emotional skills
.0001	1.52	.11	1.17	.8	
.0001	1.52	.09	1.6	.78	
.0001	7.78	.09	.71	.56	
.0001	8.49	.08	.67	.61	
.0001	8.98	.07	.71	.62	
			1	.79	
.0001	7.2	.12	.93	.57	The proximity of theory to practice
.0001	1.36	.05	.65	.64	
.0001	1.84	.05	.81	.81	
.0001	1.31	.07	.97	.74	
.0001	16.4	.06	1.05	.88	
.0001	1.13	.06	.84	.72	
.0001	7.36	.13	.95	.54	
.0001	9.08	.15	1.42	.75	
.0001	6.32	.11	.7	.5	
.0001	6.93	.12	.82	.56	
			1	.63	
.0001	1.79	.07	.64	.82	Attention to deep learning
.0001	4.63	.06	.32	.37	
.0001	1.93	.08	.83	1.16	
.0001	1.94	.09	0.84	1.19	
.0001	1.13	.08	.8	1.06	
.0001	1.14	.08	.73	1.02	
.0001	3.17	1.74	.75	4.68	
.0001	3.14	1.28	.65	4.03	
.0001	3.20	1.52	.8	4.89	

- [6] Baron, R. A, Franklin R. J, & hmieleski, K, M. (2016). Why Entrepreneurs Often Experience Low, Not High, Levels of Stress (The Joint Effects of Selection and Psychological Capital). *Journal of Management*. 42(3). 742-768.
- [7] Kestkar, J, Mirza, M, & Khosravi, A. (2014). Study of the degree of coordination of the curriculum of the Master's degree in education with entrepreneurial skills. *Higher Education Curriculum Studies*. 5 (9), 123-107. [In Persian]
- [8] Mohsen, A. (2004). *Cultural-social damages of universities, Encyclopedia of Excellence, Fundamental of the Encyclopedia of Farsi*. [In Persian]
- [9] Parker, S, C. (2011). Entrepreneurships or entrepreneurship? *Journal of business venturing*. 26(1), 19-34.
- [10] Costa S.F, Ehrenhard M.L, Caetano, A, & Santos S. (2016). The Role of Different Opportunities in the Activation and Use of the Business Opportunity Prototype. *Creativity and Innovation Management*. 25(1), 58-72.
- [11] Solomon G, Bryant A, May K & Perry, V. (2013). Survival of the fittest: Technical assistance, survival and growth of small businesses and implications for public policy. *Tec novation*. 33(8-9), 292-301.
- [12] Hynes, B. (1996), "Entrepreneurship Education and Training – Introducing Entrepreneurship into non-business Disciplines", *Journal of European Industrial Training*, Vol. 20, no.8, 10-17.
- [13] Olokundun, M, OluwoleIyiola, S, rcyOgbari, H, OdunayoSalau, F, P, & Taiye, B. (2018). Data article on the effectiveness of entrepreneurship curriculum contents on entrepreneurial interest and knowledge of Nigerian university students. *Data in Brief* 18, 60–65.
- [14] MohdSufian, A K. (2015). Entrepreneurship Education In An Engineering Curriculum. *Procedia Economics and Finance*. 35, 379 – 387.
- [15] Munyanyiwa.T, Svtotwa. D, Rudhumbu. N, & Mutsau.M. (2016). A Comparative Study of Entrepreneurship Curriculum Development and Review at the University of Zimbabwe and Botho University, Botswana. *Journal of Education and Practice*. 7(13), 63-72.
- [16] Stanford University. (2015). The Stanford Technology Ventures Program website: <http://stvp.stanford.edu>.
- مهارت‌های فکری از جمله خلاقیت و تفکر انتقادی توجه داشته باشند. لازمه این امر، این است که دانشجویان در فرایند یادگیری، موظف به ارائه راهبردها و ایده‌های نوین باشند و کلاس درس بر اساس بارش مغزی اداره شود. همچنین برای افزایش مهارت‌های مدیریت و تفکر استراتژیک، تدریس به‌وسیله موقعیت‌های شبیه‌سازی شده و ارائه طرح و نقشه‌هایی برای انجام فعالیت‌های کلاسی نیز می‌تواند راهگشا باشد. همچنین اساتید بایست در فرایند یاددهی یادگیری خود به ایجاد قدرت مسئولیت‌پذیری دانشجویها بر اساس ارائه مسئولیت‌ها، تقویت مهارت‌های ارتباطی بر اساس کارگروهی توجه داشته باشند. پیشنهاد می‌شود که از روش‌های فعال یادگیری از جمله حل مسئله، پژوهشگری، دعوت از کارآفرینان برای سخنرانی، دوره‌های عملی و کارگاهی و عملی بیشتر استفاده شود. از نتایج دیگر این پژوهش توجه اندک به این مؤلفه‌ها در فرایند یاددهی یادگیری دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی دانشگاه هرمزگان بود. پس پیشنهاد می‌شود که این مؤلفه‌ها در فرایند یاددهی یادگیری دانشجویان بیشتر مورد توجه متصدیان امر آموزش دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی این دانشگاه قرار گیرد.

مراجع

- [1] Warhuus J.P, & Vaid Basaiawmoit, R. (2014). Entrepreneurship education at Nordic technical higher education institutions: Comparing and contrasting program designs and content. *The International Journal of Management Education*. 12(3), 317-332.
- [2] Lanero A, Vazquez j. l, & Munoz-Adanez, A. (2015). A social cognitive model of entrepreneurial intentions in university students. *Annals of Psychology*. 31(1): 243-259.
- [3] Moghimi, M, & Vandarani, M. (2008). Entrepreneurship Education in Small and Medium Sized Iran: Needs and Solutions. *Quarterly of Entrepreneurship Development*. 1 (1), 243-205. [In Persian]
- [4] Hansemark, O. (2003). The effects of an entrepreneurship program on need for achievement and locus of control of reinforcement. *International Journal of Entrepreneurial Behaviour and Research*, 4 (1), 28–50.
- [5] Utsch, A, & Rauch, A. (2011). Innovativeness and initiative as mediators between 112 achievement orientation and venture performance. *European Journal of Work and Organizational Psychology*. 9 (1). 45–26.

- [17] Ekoja II. & Odu A.O. (2016). Developing and implementing entrepreneurship. Curriculum in Nigerian library and information science programmers. *International Journal of Library and Information Science*. 8(6), 48-53
- [18] Esmi K, Marzoughi R.A, & Torkezadeh J. (2015). Teaching learning methods of an entrepreneurship curriculum. *Journal Advance Medical Education Prof*. 3(4), 172-177.
- [19] Ahmad, S. Z, Ismail, M. Z, & Buchanan, R. (2014). Examining the entrepreneurship curriculum in Malaysian polytechnics. *The International Journal of Management Education*, 12, 397-406. [In Persian]
- [20] Moanbouhi, S, & Moghadam, M. (2011). Entrepreneurship Education Curriculum: Objective, content, teaching methodology and evaluation method. *Innovation and creativity in the humanities*. 1 (3), 97-130. [In Persian]
- [21] Yadolahi, J, & Mirrabat Razi, R. (2009). Study of Entrepreneurship Education Curriculum in Educational Sciences. *Entrepreneurship Development*. 1 (3), 61-80. [In Persian]
- [22] Hytti, U. O, & Gorman, C. (2004). What is "Enterprise Education? An Analysis of the Objectives and Methods of Enterprise Education Programmers in Four European Countries, *Education and Training*, Vol 46 (1), 11-23.
- [23] Behak, F. P. (2012). Developing Lifelong Learning Skills through the Implementation of the Multiliteracies Approach. *Lifelong Learning International Conference 2012 (3linc'12)*. P 84.
- [24] Bazargan, A. (2015). *Introduction to qualitative and mixed research methods*. Tehran: Aqa Publication. [in Persian]
- [25] Creswell, W. (2011). *Educational research: planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research*. 4th ed. Boston: Pearson pub.
- [26] Lichtman. M. (2006). *Qualitative research in education: A user's guide*. London: Sage
- [27] Sarmad, Z, Bazargan, A, Hejazi, E. (2012). *Methods of research in clinical practice*. Tehran: Agah. [in Persian]
- [28] Homan, H.D. (2012). *ESM in behavior science*. Tehran. Samt press.